

نگاه

متخصصان راهی شورا کنیم

محمد درویش

فعال محیط زیست

اگر عملکرد چهار دوره‌ای را که شوراهای شهر تاه‌حال فعالیت داشته‌اند مورد بررسی قرار دهیم و خطاهای مدیریت شهری در این چهار دوره را تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم نمایندگانی که وارد شورا شده‌اند در خوشبینانه‌ترین حالت متوجه خطاهای راهبردی نشده‌اند و در بدبینانه‌ترین حالت با این خطاها همراه بوده و به خاطر منافع سیاسی چشم‌پوشی کرده‌اند. این نشان می‌دهد که باید افرادی را وارد بهشت کنیم که متخصص برنامه‌ریزی در حوزه شهری و در شناخت شاخص‌های بهبود کیفیت‌زیستن در سکونتگاه‌های انسانی خبر باشند. تخصص‌هایی که نیازمند متخصصان در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، محیط‌زیست، اقتصاد و مدیریت فضاهای فرهنگی است و نباید فراموش کرد که اینها همگی در اولویت هستند. متأسفانه شهرهای ما بر اساس آموزه خودرومحوری گسترش پیدا کرده‌اند، در حالی که این آموزه دست کم ۴۰ سال است که در دنیا منسوخ شده و شهرها به سمت انسان‌محوری رفته‌اند، اما متأسفانه نمایندگان در شورای شهر در کی‌ای این داستان نداشته و فشاری که بر شهرداری آورده‌اند بیشتر در مواردی بوده که اشتباه است.

کارنامه چهار دوره حضور نمایندگان مردم در شوراهای شهر و روستا در بیشتر موارد، توان تلب‌آوری و کیفیت‌زیستن را آشکارا کاهش داده است. برای مثال شهر خوب، شهری است که آلودگی صوتی در آن زیر ۶۵ دسی‌بل باشد، اما در بررسی‌های ما این آلودگی صوتی در زیر پل سیدخندان ۸۲ دسی‌بل است. نمایندگان شورا ممکن است انسان‌های خوب، قهرمانان ملی یا هنرمندان صاحب‌نام کشور باشند، اما این حضور به راحتی ممکن است هم محبوبیت‌شان را از بین ببرد و هم شهر به شدت خسارت ببیند. باید ردیای جریان‌های سیاسی را در انتخابات شوراها به کمیته رسانده و اجازه دهیم افرادی وارد ساختمان بهشت شوند که عملاً به آموزه غلبه انسان‌محوری بر خودرومحوری در چیدمان میلمان شهری باور داشته و خود اهل ر‌کاب باشند و نه خودروسوار. نمی‌توان صرفاً به آدم‌هایی دل خوش کرد که شعارهایی



عکس: بهمن حسینی / شرفرد

ضرورت تخصص‌گرایی در شورای اسلامی شهر و روستا

چه کسی باید به «بهشت» برود؟

هفتم و با استقبال مردم نخستین دوره آن بر گزار شد. پیش‌بر س‌ریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری با ادارات و نهاد شهر و نظارت بر روند مدیریت شهری از وظایف تعریف‌شده برای شورای اسلامی شهر و روستا به‌شمار می‌آید، تعریفی که نشان‌دهنده یک ساختار چندبخشی است. شاید برای همین است که با گذشت ۵ دوره از برگزاری انتخابات شورا در کشور هنوز جایگاه این ساختار مرد‌م‌پند در کشور به وضوح مشخص نیست، هنوز در ذهن شهروندان این پرسش مطرح است که چه کسی یا چه کسانی برای ورود به شورای شهر و روستای اسلامی شایسته‌تر هستند؟ ما اکنون در حال نزدیک شدن به یک انتخاب مهم دیگری هستیم، انتخابی که قطعاً اگر بدون شناخت و آگاهی کامل و بدون قراردادن شاخص‌های عقلانی صورت پذیرد، نتیجه آن این می‌شود که مضللات بیشتر شده و شهر به‌جای رشد و توسعه به سمت تخریب و خرابی حرکت می‌کند.

شرایط ناپایداری را در شهرها پدید آورده، بلکه ناپایداری مناطق اطراف را نیز به‌دنبال داشته است. به‌نظر می‌رسد مفاهیم توسعه پایدار به خوبی با اهداف مقاصد شهرسازی نوین سازگار و بنابراین بتوان به‌عنوان وسیله موثری برای تحقق اهداف پایداری از آن استفاده به عمل آورد. بسیاری از دانشمندان، تحلیلگران و حتی سیاستمداران معتقدند که تغییر عملی چنین تحولی را میان کردنی است. شاید یک تحول در تفکر با یک تغییر بنیادی در نحوه فکر و عمل ما است. امل کمتر کسی‌ها را از این فراتر گذاشته و خصوصیات و راه‌های مختلف تحولی را بیان کرده است. شاید دست‌اندرکاران توسعه شهرهای ما از اطلاعات لازم برخوردار نیستند. اما به راستی آیا تخصص در انتخابات شوراها باید حرف اول را بزند یا خیر؟ شورای اسلامی شهر و روستا، عنوانی است که از سال ۱۳۷۷ وارد ادبیات سیاسی کشور شد. این ساختار مرد‌م‌پند اگرچه پیش از این در قانون اساسی کشور لحاظ شده بود، اما در ۱۳۷۷ اسفند ۱۳۷۷ با پیگیری رئیس دولت

مفاهیمی همچون شهر اکولوژیک، شهرنشینی پایدار، شهر پایدار، پایداری شهری، شهر سبز و شهر سالم، برخاسته از دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی و عدالت‌جو در اکولوژی اجتماعی هستند. بدون شک بحث از پایداری و توسعه پایدار بدون توجه به شهرها و شهرنشینی بی‌معنی خواهد بود. شهرها به‌عنوان عامل اصلی ایجادکننده ناپایداری در جهان به‌شمار می‌روند و در واقع پایداری شهری و پایداری جهانی هر دو مفهومی واحد هستند. بر این اساس با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تاثیرگذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری، ضروری به‌نظر می‌رسد. اما این شناخت آیا در شوراهای شهر و روستا وجود دارد؟ آیا ضرورت آن احساس می‌شود؟

می‌دانیم که شهرسازی ما به تبعیت از الگوی کلاسیک توسعه و پیروی کورکورانه از مدل‌های کلیشه‌ای توسعه شهری که نسبت به شرایط و خصوصیات بومی بی‌اعتناست، نه تنها

شهروند | توسعه پایدار یکی از جامع‌ترین مفاهیم در همه زمان‌ها است. این مفهوم عنصر اصلی راهکار ۲۱ است؛ سنند ۴۰ فصلی که به سال ۱۹۹۲ در نشست سران جهان در ریو مورد پذیرش قرار گرفت و در سطوح پایین سازمان فضایی جست‌وجو می‌شود. اهداف توسعه پایدار (تامین نیازهای اساسی، بهبود استانداردهای زندگی برای همه، حفاظت و مدیریت بهتر اکوسیستم‌ها) در همه سطوح سازمان فضایی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) اجرا می‌شود، امل سطح شهری، به علت تمرکز پیوسته روبرو‌شد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، توجه بیشتری را جلب کرده است، به‌ویژه شهرهای مسا در ایران که باید در رأس هرم اداره آن و شهرداری‌ها یک شورای تصمیم‌گیر وجود داشته باشد.

توسعه پایدار شهری که مفهوم اصلی در این سطح است، مفاهیم و دیدگاه‌های را نشان می‌دهد که برخاسته از حوزه فکری افرادی است که در این سطح فعالیت کرده‌اند.

مسئولیت اجتماعی مقدم بر تخصص

اکامیز نوری / استاد دانشگاه و فعال سیاسی



شهر ندارد.

درواق کیفیت عملکردی اعضای شورای شهر اساساً هیچ ارتباطی به نوع تخصص آنها ندارد. شورای شهر و اعضای آن مانند هر مقام و نهاد رسمی دیگری می‌توانند گروه‌های کارشناسی متعدد در کنار خود داشته باشند. معیار مهم هویت سیاسی، تجربه سیاسی-اجتماعی، مسئولیت اجتماعی و امتداری آنهاست. کسی که می‌خواهد نامزد انتخابات شورای شهر شود و در صورت جلب آرای مردم بعداً به عضویت آن شورا در آید، باید مشخص باشد که در میان طیف‌های متعدد سیاسی کشور متعلق به کدام جریان است و هویت سیاسی او باید در تجربه سیاسی-اجتماعی خود این هویت را عیان و به مردم معرفی کرده باشد. همین تجربه است که نشان می‌دهد او تا چه اندازه مسئولیت‌پذیر، امین و صادق است. لازم نیست که یک نفر حتماً در منازعات سیاسی شرکت کرده باشد، بلکه ضرورت دارد فرد در مجموعه مسائلی که در طول زندگی شهری و عملکرد مدیریت شهری رخ داده، بی‌تفاوت نبوده و در عرصه عمومی و افکار آشکارا

و بدون عافیت‌طلبی‌های سودجویانه واکنش نشان داده باشد. فرضاً یک متخصص رشته‌های مختلف شهری حتی با داشتن بالاترین مدارک دانشگاهی که در طول سال‌های متمادی هیچ بروز و ظهوری در واکنش نسبت به مسائل مهم و بحث‌برانگیز شهر و مدیریت شهری نداشته است، نمی‌تواند فردی شایسته برای حضور در شورای شهر باشد. یا مثلاً در رشته حقوق که این روزها زیاد مورد توجه است، اگر یک تحصیل‌کرده حقوق یا یک وکیل دادگستری یا هر مدرک و هر میزان سابقه کار حضور فعال و آشکار اجتماعی نداشته و به هر دلیل در برابر مسائل موجود ساکت یا بی‌تفاوت بوده، مطلقاً نمی‌توان گفت واجد شرایط ماهوی عضویت در شورای شهر است. یک متخصص زمانی می‌تواند برای عضویت در شورای شهر مفید باشد که مقدم بر تخصص هویت سیاسی، تجربه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، امتداری و صداقت او در جریان مشارکت فعال و تاثیرگذار در مسائل اجتماعی به محک تجربه در آمده باشد. کدام معجزه با انقلاب روحی ممکن است کسانی را که سال‌های طولانی در برابر انبوه مسائل عمومی ساکت بوده و مسئولیتی احساس نکرده‌اند، آنها را اینچنین مسئول و شایسته عضویت در شورای شهر بداند. به‌طور کلی کارنامه مردود شورای شهر تهران در دو دوره اخیر به هیچ عنوان ناشی از نوع تخصص اعضای شورای شهر نیست. در این ادوار تخصص‌های حقوقی، شهرسازی، عمران و... در شورای شهر وجود دارد، اما مهم‌ترین نقمی که در ترکیب این شورا دیده می‌شود، عمدتاً ناشی از نبود یک یا چند شرط از شرایط پیش گفته است. اگر آن شرایط پنج‌گانه در کسی وجود داشته باشد، تخصص او نیز مفید خواهد بود، در غیر این صورت آن تخصص به هیچ کار نخواهد آمد و منشأ آن نخواهد شد. جریان‌های اساسی کشور اگر در تنظیم فهرست نامزدهای خود آن شرایط پنج‌گانه را رعایت نکنند، نمی‌توان امیدوار بود که به‌یاد حال روز و نهادهای شهری خصوصاً در تهران باشد.

نگاه

متخصصان راهی شورا کنیم

محمد درویش

فعال محیط زیست

اگر عملکرد چهار دوره‌ای را که شوراهای شهر تاه‌حال فعالیت داشته‌اند مورد بررسی قرار دهیم و خطاهای مدیریت شهری در این چهار دوره را تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم نمایندگانی که وارد شورا شده‌اند در خوشبینانه‌ترین حالت متوجه خطاهای راهبردی نشده‌اند و در بدبینانه‌ترین حالت با این خطاها همراه بوده و به خاطر منافع سیاسی چشم‌پوشی کرده‌اند. این نشان می‌دهد که باید افرادی را وارد بهشت کنیم که متخصص برنامه‌ریزی در حوزه شهری و در شناخت شاخص‌های بهبود کیفیت‌زیستن در سکونتگاه‌های انسانی خبر باشند. تخصص‌هایی که نیازمند متخصصان در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، محیط‌زیست، اقتصاد و مدیریت فضاهای فرهنگی است و نباید فراموش کرد که اینها همگی در اولویت هستند. متأسفانه شهرهای ما بر اساس آموزه خودرومحوری گسترش پیدا کرده‌اند، در حالی که این آموزه دست کم ۴۰ سال است که در دنیا منسوخ شده و شهرها به سمت انسان‌محوری رفته‌اند، اما متأسفانه نمایندگان در شورای شهر در کی‌ای این داستان نداشته و فشاری که بر شهرداری آورده‌اند بیشتر در مواردی بوده که اشتباه است.

کارنامه چهار دوره حضور نمایندگان مردم در شوراهای شهر و روستا در بیشتر موارد، توان تلب‌آوری و کیفیت‌زیستن را آشکارا کاهش داده است. برای مثال شهر خوب، شهری است که آلودگی صوتی در آن زیر ۶۵ دسی‌بل باشد، اما در بررسی‌های ما این آلودگی صوتی در زیر پل سیدخندان ۸۲ دسی‌بل است. نمایندگان شورا ممکن است انسان‌های خوب، قهرمانان ملی یا هنرمندان صاحب‌نام کشور باشند، اما این حضور به راحتی ممکن است هم محبوبیت‌شان را از بین ببرد و هم شهر به شدت خسارت ببیند. باید ردیای جریان‌های سیاسی را در انتخابات شوراها به کمیته رسانده و اجازه دهیم افرادی وارد ساختمان بهشت شوند که عملاً به آموزه غلبه انسان‌محوری بر خودرومحوری در چیدمان میلمان شهری باور داشته و خود اهل ر‌کاب باشند و نه خودروسوار. نمی‌توان صرفاً به آدم‌هایی دل خوش کرد که شعارهایی

۱- فضای سیاسی اجتماعی (ثبات سیاسی، جنایات، مبارزات با جنایات)
۲- شرایط اقتصادی (خدمات بانکی، تبدیل ارز)
۳- شرایط اجتماعی - فرهنگی (سانسور، محدودیت‌های آزادی فردی)
۴- سلامتی و بهداشت (سیستم درمانی، بیماری‌های واگیردار، سلامت تفه تصفیه پساب و دفع زباله)
۵- مدارس و آموزش (استاندارد و دسترسی به مدارس بین‌المللی)
۶- خدمات عمومی و تردد (برق، آب، وسایل نقلیه عمومی، تراکم ترافیک، استفاده از دوچرخه خود-)
۷- سرگرمی (رستوران‌ها، تئاتر، سینما، مراکز ورزشی و تفریحی)
۸- کالاهای اساسی مصرفی (دسترسی به مواد غذایی و کالاهای مورد مصرف روزانه، خودروها)
۹- مسکن (خانه و آب‌و‌تعمار، وسایل مورد نیاز خانگی، خدمات تعمیر و نگهداری)
۱۰- محیط‌زیست (اقلیم، بلایای طبیعی...)

در پیچه‌ای به بیرون

در دنیا

شهر دارها چگونه انتخاب می‌شوند؟

شوراهای شهری تحت کنترل شهردار تا شوراها کاملاً مستقل از تجربه می‌کنند.

مدیریت شهری یکی از مسائل نوین علوم سیاسی و مدیریت در چارچوب مفاهیمی نظیر تمرکززدایی و حکومت‌های محلی است. در این راستا، بحث تمرکززدایی و محلی‌گرایی در طول تاریخ معاصر همواره به نوعی مطرح بوده است. بنابراین با توجه به نزدیک شدن انتخابات شوراهای در کشورهای می‌توانیم نگاهی به مدل‌های رایج اداره امور شهری در کشورهای اروپایی داشته باشیم تا شناخت بهتر و بیشتری از تجارب آنها در این زمینه پیدا کنیم. در سراسر قاره سبز چهار مدل مدیریت محلی قابل شناسایی است که عبارتند از:

مدل شهرداری

این الگو در واقع بیانگر جایگاهی مشابه ریاست جمهوری در شهردار در سطح یک شهر بوده و در آن شهردار بازیگری سیاسی است که دارای وظایف اجرایی نیز است. در این مدل شهردار کنترل اکثریت سیاسی شورا را در اختیار داشته و تقسیم قدرت و وظایف روشنی بین شورا و شاخه اجرایی از طریق وارد کردن خصوصیات جایگاه ریاست جمهوری در شکل یک حکومت محلی (انتخاب مستقیم شهردار) ایجاد شده است. این مدل در کشورهای جنوبی یا شرقی اروپا همچون اسپانیا، فرانسه، یونان، ایتالیا، پرغال، قبرس و مجارستان قابل مشاهده است.

مدل رهبری جمعی

مرجع تصمیم‌گیری در این مدل یک بنده تخصصی و به‌عبارت دیگر کمیته‌ای اجرایی است. این کمیته که مسئول اکثریت وظایف اجرایی است، از اعضای شورای شهر یا وظایف حکومتی تشکیل و توسط شهردار بر سرستی می‌شود. تأکید این مدل بیش از آن که بر تخصص‌گرایی یا رهبری سیاسی باشد، بر مدیریت جمعی است. این شیوه حکومت محلی در کشورهای بلژیک، هلند، لوکزامبورگ و جمهوری چک دیده می‌شود.

مدل رهبری توسط کمیسیون

در این مدل یک بنده اجرایی تخصصی وجود دارد که وظایف مدیریت استراتژیکی و هماهنگی‌ها را انجام می‌دهد. امور اجرایی در این شیوه به‌وسیله کمیته‌های دائمی که توسط شورا ایجاد می‌شود، انجام می‌گیرد. در بین حال شورا محدود اختیارات این کمیته‌ها را تعیین می‌کند. تصمیمات شورا به‌وسیله این کمیته‌ها آماده اجرا می‌شود. این شیوه در کشورهای سوئد، دانمارک و اتریش اجرا می‌شود.

مدل شورا-مدیر شهر

در این مدل از حکمرانی شهری همه وظایف اجرایی در اختیار یک مدیر متخصص است که توسط اعضای شورای شهر انتخاب می‌شود. شورای شهر دارای اختیارات کلی در ارتباط با سیاست‌های عمومی است، با این وجود نمی‌تواند در وظایف اداری و اجرایی که در دست مدیر شهر است، دخالت کند. ریاست شورای شهر در این شیوه به عهده شهردار است. این شیوه در کشورهای ایرلند و فنلاند مورد استفاده است.